

## Association of Subsidies for Wheat and Flour with per Capita Consumption of Bread among Iranian Households

Babashahi M\*<sup>1</sup>, Shokri S<sup>2</sup>

1. Ph.D. Candidate of Food and Nutrition Policy, Community Nutrition Department, School of Nutrition Sciences and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

<http://orcid.org/0000-0002-2392-0614>

2. Ph.D. Student of Food Safety and Hygiene, Department of Environmental Health, Food Safety Division, Faculty of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

<http://orcid.org/0000-0002-4532-1129>

\* *Corresponding author.* Tel: +982122077424, Fax: +982122360660, E-mail: [m.babashahi21@gmail.com](mailto:m.babashahi21@gmail.com)

Received: Jan 29, 2019 Accepted: Jan 25, 2020

### ABSTRACT

**Background & objectives:** Fiscal policies can play an important role in the behavior and health of consumers. This study aimed to analyze the trend of bread consumption in Iran and changes in the amount of subsidy paid to it.

**Methods:** In order to achieve the objectives of this study, the amount of bread consumed in Iranian households was extracted from the balance sheet of food products of the Islamic Republic of Iran during 2002-2011 and the amount of subsidy paid to it was obtained from the documents and statistics available at the ministry of economic affairs and finance and consumer and producer protection organization. Data analysis was conducted with SPSS, version 16, using descriptive statistics, Pearson correlation test and linear regression with 95% confidence interval.

**Results:** Linear regression results showed statistically significant difference between subsidies for bread, bread consumption ( $p=0.019$  and  $r=0.720$ ) and energy level produced in the body ( $p=0.003$  and  $r=0.824$ ). For each one miliard Rials increase in subsidies paid for bread, 63.712 tons of bread consumption and 0.014 kilo-calories of daily energy consumption were decreased.

**Conclusion:** In order to hold bread price constant, huge money is spent as subsidies for this product every year. Not paying attention to flour quality and low quality of bread produced in bakeries has caused a part of subsidies to be spent for bread waste and per capita consumption of bread has decreased as a result.

**Keywords:** Wheat; Flour; Households; Supportive Policies

# ارتباط میزان یارانه پرداختی به گندم و آرد و سرانه مصرفی نان در خانوارهای ایرانی

مینا باباشاهی<sup>۱\*</sup>، سمیرا شکری<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌های غذا و تغذیه، گروه تغذیه جامعه، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات

بهداشتی درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری بهداشت و ایمنی مواد غذایی، بخش بهداشت و ایمنی مواد غذایی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه

علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول، تلفن: ۰۲۱۲۲۰۷۷۴۲۴، فکس: ۰۲۱۲۲۳۶۰۶۶۰، ایمیل: m.babashahi21@gmail.com

## چکیده

**زمینه و هدف:** سیاست‌های مالی می‌توانند نقش مهمی در رفتار و سلامت مصرف کنندگان بازی کنند. مطالعه حاضر با هدف تحلیل روند میزان مصرف نان در ایران و تغییرات میزان یارانه پرداختی به آن صورت پذیرفت.

**روش کار:** برای دستیابی به اهداف این مطالعه، میزان مصرف نان در خانوارهای ایرانی از ترازنامه غذایی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰ جمهوری اسلامی ایران و میزان یارانه پرداختی به آن از مستندات و آمارهای موجود در وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان استخراج گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS-16 و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی با ضریب اطمینان ۹۵ درصد انجام شد.

**یافته‌ها:** نتایج آزمون رگرسیون خطی بین میزان یارانه پرداختی به نان و میزان مصرف نان ( $r=-0/720$  و  $p=0/019$ ) و همچنین میزان انرژی تولیدی در بدن ( $r=-0/824$  و  $p=0/003$ ) اختلاف آماری معناداری را نشان داد، به طوری که به ازای افزایش هر یک میلیارد ریال یارانه پرداختی به نان،  $63/712$  تن از میزان مصرف نان و  $0/014$  کیلوکالری از انرژی مصرفی در روز کاسته می‌شود.

**نتیجه گیری:** یافته‌های این مطالعه نشان داد که در طی سال‌های مورد بررسی، مصرف نان و میزان انرژی تولیدی آن در بدن با افزایش میزان یارانه‌های پرداختی به نان روند کاهشی داشته است، توجه ناکافی به کیفیت آرد و نان تولیدی، افزایش ضایعات نان، فقدان حق انتخاب برای مشتریان و نانوایان، ضعف در آموزش نانوایان و پیچیدگی‌های مربوط به سهمیه بندی آرد از عمده‌ترین مشکلات مرتبط با ساختار یارانه‌های تولید نان در کشور هستند.

**واژه‌های کلیدی:** گندم، آرد، یارانه، خانوار

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۵

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۹

## مقدمه

برنامه‌ریزی کامل و جامع در خصوص تأمین غذای باکیفیت و حفظ سلامتی افراد، تنظیم الگوی مناسب تغذیه‌ای و ترکیب مواد غذایی و انطباق آن با ظرفیت‌های تولید و عرضه در کشورها از اهمیت بسزایی برخوردار است. سیستم غذا در هر کشوری

تأمین غذا و تغذیه سالم برای زندگی و سلامت افراد ساکن در هر کشوری ضروری است و این موضوع می‌تواند نقش سازنده‌ای در تضمین استقلال و امنیت آن کشور ایفا کند. بنابراین، سیاست‌گذاری و

شامل چرخه عرضه، تقاضا، صادرات، واردات و عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر آن است. هر یک از عناصر این سیستم غذایی می‌تواند از دیگر مسائل کشور تأثیر بپذیرد (۱). سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی، از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به شمار می‌آید (۲). بر این اساس، در بیشتر کشورهای دنیا، بدون حمایت از بخش کشاورزی، تعداد بسیاری از کشاورزانی که سطح درآمدشان پایین است، با مشکلات جدی روبرو خواهند شد. بنابراین در پیش گرفتن سیاست‌های حمایتی از این بخش (کشاورزی) از طرف دولت موضوعی ضروری است (۳).

به‌طور کلی هدف از یارانه‌های دولتی حمایت از خانواده‌ها، به ویژه افراد آسیب‌پذیر است (۴). برای دستیابی به این هدف، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی، سهم چشمگیری در هزینه‌های دولت‌ها دارد. به همین دلیل، «هدفمند کردن یارانه‌ها» در این بخش، مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. اما این مقوله (هدفمند کردن یارانه‌ها)، بر رفاه مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی اثر می‌گذارد. مسئله‌ای که نباید فراموش شود این است که میزان این اثر بر گروه‌های مختلف درآمدی، یکسان نیست. بنابراین بررسی پیامدهای رفاهی این سیاست اهمیت ویژه‌ای دارد و به همین دلیل است که اقتصاددانان بخش کشاورزی همواره به دنبال ارزیابی سیاست‌های موجود در این بخش هستند (۵).

گندم اصلی‌ترین ماده غذایی خانوارهای ایرانی است و از دیدگاه تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و دولت، گندم پراهمیت‌ترین محصول کشاورزی ایران است. به طوری که مطالعات بازار گندم، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. بنابراین، بررسی سیاست‌های حمایتی دولت از تولید گندم و به دنبال آن تولید نان از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است (۶). مطالعات سرانه مصرف گندم در میان کشورهای جهان نشان می‌دهد که ایران بعد از شش کشور استرالیا، روسیه، ترکیه، کانادا، اوکراین و الجزایر، با سرانه مصرف ۱۹۴ کیلوگرم در رتبه هفتم قرار دارد (۷). غلات مهم‌ترین منبع غذایی در جهان است و ۵۰ درصد کالری مصرفی جهان را تشکیل می‌دهد و همچنین حدود ۶۳ درصد جیره غذایی روزانه خانواده‌های ایرانی را شامل می‌شود. سرانه مصرف نان در ایران سالانه بیش از ۱۵۶ کیلوگرم (۱۳۰-۱۲۰ کیلوگرم در مناطق شهری و ۲۰۰ کیلوگرم در مناطق روستایی است) است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که میزان سرانه مصرف نان در ایران دو تا سه برابر کشورهای دیگر است (۸). به طور مثال در فرانسه و آلمان میزان سرانه مصرف نان ۵۶ و ۷۰ کیلوگرم بیان شده است. آمار نشان می‌دهد سهم نان در مخارج خوراکی خانواده‌های شهری و روستایی در ایران در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۹ روند کاهشی داشته است. در سال ۱۳۸۵ سهم نان در دهک اول خانوار شهری و روستایی به ترتیب معادل ۹/۹ و ۱۵/۱ درصد است و همچنین این نسبت برای دهک دهم خانوارهای شهری و روستایی برابر ۲/۳ و ۳/۱ است. زیادبودن فاصله سهم دهک اول تا سوم می‌تواند نشان دهنده توزیع ناعادلانه کالا بین گروه‌های مصرف‌کننده باشد (۹).

در همین راستا مطالعات نشان می‌دهد سهم یارانه‌های مصرفی از ۱/۵ درصد در سال ۱۳۵۲ به ۹۲ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است. در برخی از سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۴ در حدود ۹۰ درصد یارانه‌های پرداختی دولت به یارانه‌های مصرفی اختصاص یافته است. از میان یارانه‌های مصرفی بیشترین سهم متعلق به گندم است، مقدار یارانه گندم ۱۱/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۱۵/۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است. به نظر می‌رسد افزایش فشارهای تورمی و تغییر نرخ ارز، دولت سعی کرده است با هدفمند کردن یارانه‌ها از طریق پرداخت بیشتر یارانه

با پایین نگه داشتن قیمت کالا مانع از افزایش فشارهای تورمی شود (۱۰،۱۱). آمار نشان می‌دهد ضایعات گندم قبل از هدفمند کردن یارانه‌ها در مرحله کاشت حدود ۲ درصد، برداشت حداکثر ۳/۵ درصد و در مرحله پس از برداشت ۱۶/۵ درصد کل گندم بود. همچنین طی این دوران متوسط دورریز نان در مرحله مصرف ۳۰ درصد بوده است؛ عمده‌ترین دلیل پایین بودن کیفیت نان تولیدی است (۱۲،۱۳).

در رابطه با پرداخت یارانه نان در کشورهای مختلف، آمارهای مختلفی وجود دارد. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۱ یارانه مواد غذایی در کشور الجزایر نزدیک به ۵ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP)<sup>۱</sup> و ۱۷ درصد مخارج کل دولت را تشکیل می‌داد. این هزینه‌های بالا و فزاینده، بیانگر پوشش یارانه‌ای برای تمام کالا بود، به طوری که ۵۰ درصد ارزش گندم و به ترتیب یک سوم و دو سوم ارزش آرد و نان به صورت یارانه پرداخت می‌شد (۱۴). کریمی و همکاران در مطالعه خود به برآورد تابع تقاضای مواد غذایی مشمول یارانه، در برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی در ایران پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد یارانه مواد غذایی روشی جهت باز توزیع درآمد، به سمت منافع گروه‌های کم درآمد است، که در این زمینه کالاهای اساسی مشمول یارانه (نان، شیر، گوشت، روغن و قند و شکر) نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به علت محدودیت بودجه‌ای دولت و همچنین تخصیص بهینه منابع، اولویت بندی کالاهای مشمول یارانه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

یافته‌های یک تحقیق نشان داد که به علت ویژگی بی‌کشش بودن اقلام یارانه‌ای ذکر شده، هرگونه کاهش در میزان پرداخت یارانه‌ها موجب افزایش قیمت کالاهای مشمول یارانه شده و فشار زیادی را به مصرف‌کنندگان فقر و تهیدست وارد می‌سازد (۱۵).

یافته‌های مطالعه احمدی و همکاران که به بررسی وضعیت پرداخت یارانه در کشور مصر اختصاص یافته

بود، نشان داد که سیستم پرداخت یارانه هدفمند نبوده و باعث می‌شود که گروه‌های غیرنیازمند از منافع یارانه‌ای بهره‌مند شوند و شش دهک بالای جمعیت (از منافع یارانه‌ای کالاهای نان، آرد گندم، روغن خوراکی و قند و شکر به ترتیب ۶۱، ۶۲، ۶۰، ۶۲ درصد بهره‌مند می‌شوند، که بیانگر این است منافع حاصل بین گروه‌های مختلف تقسیم شده و غیرهدفمند بوده است اما در عین حال پرداخت یارانه‌ها باعث بهبود تغذیه و افزایش امنیت غذایی گروه‌های فقیر شده است (۱۶). در طول سنوات گذشته بالاترین میزان یارانه کشور به نان اختصاص پیدا کرده است. افزایش قیمت خرید تضمینی و رشد هزینه‌های تبعی خرید و تبدیل گندم و آرد، و همچنین افزایش جمعیت سال به سال میزان یارانه مورد نیاز برای این محصول را افزایش داده است، ولی با توجه به توزیع نامناسب یارانه و منافع حاصل از آن در مناطق و گروه‌های مختلف درآمدی، کیفیت نامرغوب آرد، ضایعات دورریز نان، کاهش سرانه مصرف نان و نبود مطالعات جامع، محققین در مطالعه حاضر بر آن شدند به تحلیل روند تغییرات میزان یارانه پرداختی به نان و همچنین میزان مصرف نان در ایران بپردازند.

### روش کار

مطالعه حاضر از نوع مطالعه مقطعی و توصیفی-تحلیلی است که برای دستیابی به اهداف این مطالعه، میزان مصرف نان در خانوارهای ایرانی از ترازنامه غذایی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۱ جمهوری اسلامی ایران (۱۱) و میزان یارانه پرداختی به آرد و گندم از مستندات و آمارهای موجود در وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان (۹) استخراج گردید. مصرف نان، سرانه نان در سال، سرانه روزانه نان، انرژی تولیدی و یارانه پرداختی از جمله معیارهای ورود در این مطالعه بود و همچنین عدم توجه به ارزش واقعی پول ملی

<sup>1</sup> Gross Domestic Product

اختصاص یافته به یارانه گندم و نان و سهم آن در هزینه کلی خانوار از جمله متغیرهای مخدوش کننده در این مطالعه بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS-16 و با استفاده از آمار توصیفی<sup>۲</sup> و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون<sup>۳</sup> و رگرسیون خطی<sup>۴</sup> با ضریب اطمینان ۹۵ درصد انجام شد.

### یافته‌ها

جدول ۱، میزان مصرف نان در خانوارهای ایرانی در سال، سرانه مصرف نان در سال برحسب کیلوگرم،

سرانه مصرف روزانه نان برحسب گرم و میزان یارانه پرداختی دولت به آن را در طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همانگونه که در این جدول مشاهده می‌شود بیشترین میزان مصرف نان مربوط به سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ است. همچنین بیشترین میزان سرانه مصرف نان و بیشترین انرژی تولیدی حاصل از مصرف نان در سال، مربوط به سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ است و بیشترین سرانه مصرف روزانه نان مربوط به سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۷ است و سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ بیشترین میزان یارانه پرداختی به آرد و گندم را به خود اختصاص داده‌اند.

<sup>2</sup> Descriptive statistics

<sup>3</sup> Pearson Correlation Coefficient (PCC)

<sup>4</sup> Linear regression

جدول ۱. ارتباط بین مصرف نان، سرانه نان در سال، سرانه روزانه، انرژی تولیدی با یارانه پرداختی آرد و گندم در طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰

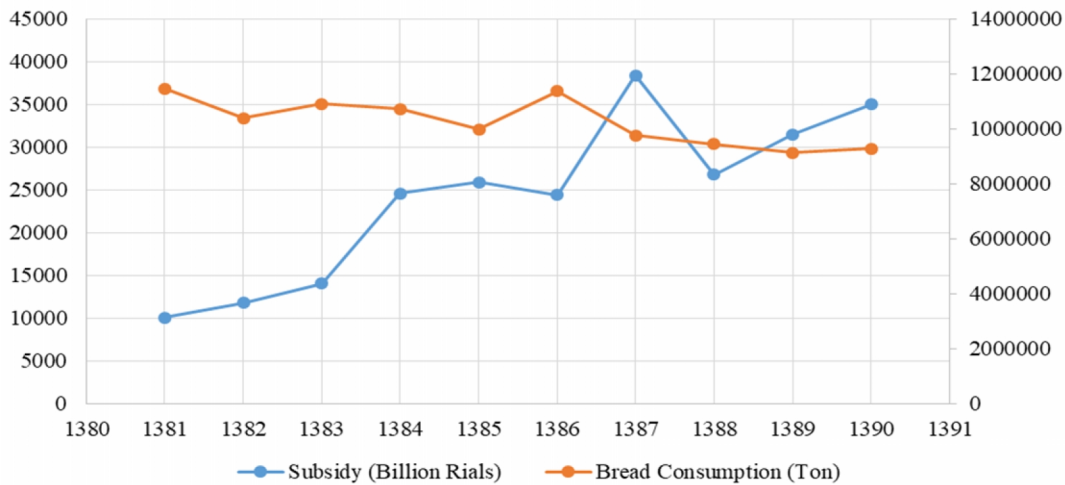
ردیف	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	انحراف استاندارد ± میانگین	PCC*	PCC†	PCC‡	PCC§
مصرف نان (تن)	۰.۶۸۷۶۳۱۱	۰.۷۵۰۶۳۰۱	۰.۶۶۱۰۶۰۱	۰.۶۳۳۸۰۱	۰.۶۱۱۷۶۶	۰.۶۱۱۷۶۶	۰.۶۱۱۷۶۶	۰.۶۱۱۷۶۶	۰.۶۱۱۷۶۶	۰.۶۱۱۷۶۶	۱۰۲۴۴۷۴۴/۷۳±۸۵۳۹۰۷/۷۱۳۷	-	-	-	-
سرانه در سال (کیلوگرم)	۸۸/۸۸۱	۹۳/۳۵۱	۱۵/۵۹۱	۹۹/۳۵۱	۶۵/۱۳۱	۳۸۱۷۶۶	۳۸۱۷۶۶	۳۸۱۷۶۶	۳۸۱۷۶۶	۳۸۱۷۶۶	۱۴۵/۲۵۸۰±۱۷/۲۳۳۳۸	-	-	-	-
سرانه روزانه (گرم)	۷۷/۸۸۳	۰.۶/۸۸۳	۱۰/۸۸۳	۸۳/۸۸۳	۱۶/۸۷۴	۳۸۱۷۶۶	۳۸۱۷۶۶	۳۸۱۷۶۶	۳۸۱۷۶۶	۳۸۱۷۶۶	۳۹۷/۹۶۳±۴۷/۲۱۴۶۶	-	-	-	-
انرژی تولیدی حاصل از مصرف نان (کیلوکالری در روز)	۸۰/۸۷۶۱	۸۵/۹۰۹۱	۸۸/۹۵۹۱	۹۱/۱۰۰۱	۹۵/۱۰۰۱	۹۵/۱۰۰۱	۹۵/۱۰۰۱	۹۵/۱۰۰۱	۹۵/۱۰۰۱	۹۵/۱۰۰۱	۱۴۱۶/۷۵۸۰±۱۶۸/۰۷۵۳۶	-	-	-	-
یارانه پرداختی (میلیارد ریال)	۰.۵/۰.۰۰۱	۰.۱/۷۷۸۱۱	۰.۷/۷۳۰۳۱	۰.۷/۸۸۹۳۱	۰.۸۷۹۴	۰.۱۳۳۱	۰.۱۳۳۱	۰.۱۳۳۱	۰.۱۳۳۱	۰.۱۳۳۱	۲۴۲۴۲/۷۰±۹۶۴۶/۰۱۳۲۰	۰.۰۰۰۵۸	۰.۰۰۰۵۸	۰.۰۰۰۵۸	۰.۰۰۰۵۸

\* ضریب همبستگی پیرسون بین میزان نان و یارانه پرداختی، † ضریب همبستگی پیرسون بین سرانه در سال و یارانه پرداختی  
 ‡ ضریب همبستگی پیرسون بین سرانه روزانه و یارانه پرداختی، § ضریب همبستگی پیرسون بین انرژی تولیدی و یارانه پرداختی

یارانه پرداختی به نان مربوط به سال ۱۳۸۷ است. از طرفی، میزان مصرف نان در طی سال‌های مذکور (۱۳۸۱-۱۳۹۰) روند کاهشی به خود گرفته است و بیشترین میزان مصرف نان در خانوارهای ایرانی مربوط به سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ است.

شکل ۱ روند تغییرات میزان مصرف نان و میزان یارانه پرداختی به آن (نان) را در طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰ در ایران نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این شکل نشان داده شده است، میزان یارانه پرداختی به نان در طی سال‌های مذکور، روند افزایشی داشته است. همچنین این شکل نشان می‌دهد که بیشترین میزان

Subsidy VS. Bread Consumption



شکل ۱. روند تغییرات میزان مصرف نان و میزان یارانه پرداختی به آن در طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰

شکل ۲ ارتباط بین میزان مصرف نان و یارانه پرداختی به آن را در طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نمودار نشان داده شده است، با افزایش میزان یارانه پرداختی به نان، میزان مصرف نان در سال‌های مذکور کاهش داشته است.

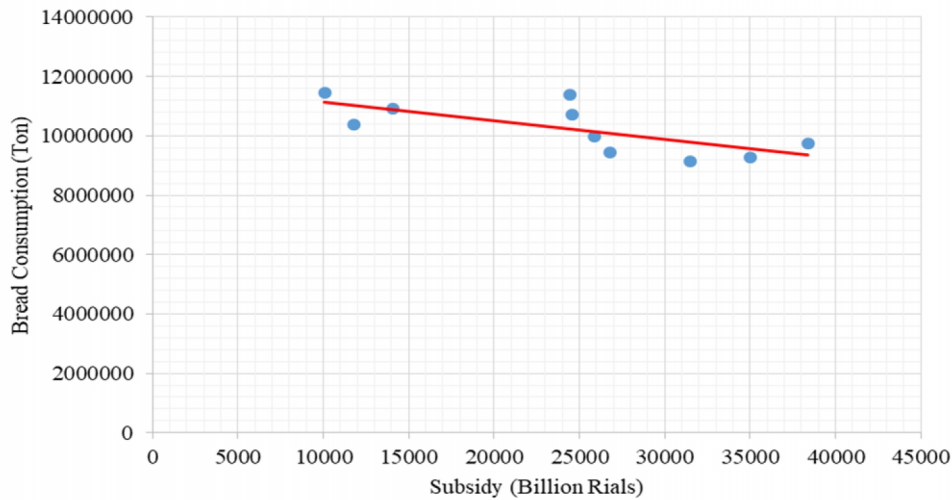
شکل ۲ ارتباط بین میزان مصرف نان و یارانه پرداختی به آن را در طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نمودار نشان داده شده است، با افزایش میزان یارانه پرداختی به نان، میزان مصرف نان در سال‌های مذکور کاهش داشته است.

$$\text{Bread Consumption (Ton)} = -63.712 \times \text{Subsidy (Billion Rials)} + 11789298.81 \quad (\text{معادله ۱})$$

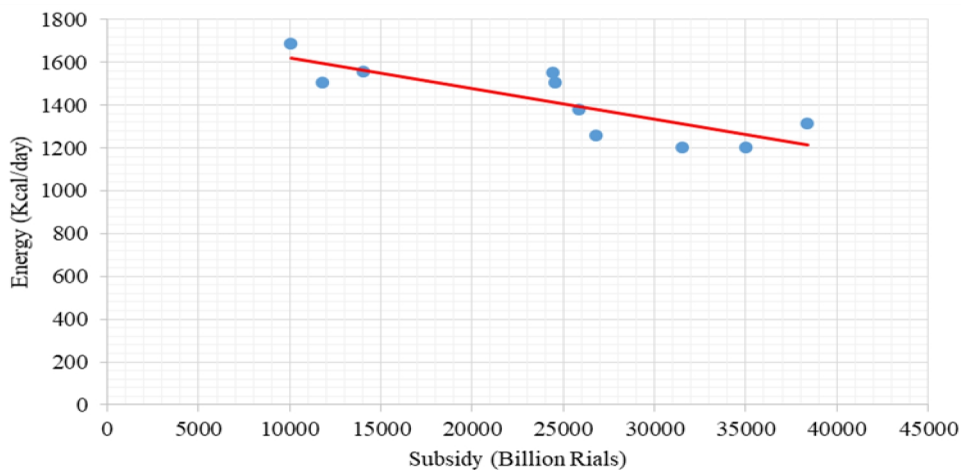
شکل ۳ ارتباط بین میزان انرژی تولیدی در بدن و یارانه پرداختی به نان را در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نمودار نشان داده شده است، با افزایش میزان یارانه پرداختی به نان، میزان انرژی تولیدی کاهش داشته است.

شکل ۳ ارتباط بین میزان انرژی تولیدی در بدن و یارانه پرداختی به نان را در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نمودار نشان داده شده است، با افزایش میزان یارانه پرداختی به نان، میزان انرژی تولیدی کاهش داشته است.

$$\text{Energy (Kcal/day)} = -0.014 \times \text{Subsidy (Billion Rials)} + 1765.014 \quad (\text{معادله ۲})$$



شکل ۲. ارتباط بین یارانه پرداختی به نان و میزان مصرف آن در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰



شکل ۳. ارتباط بین میزان انرژی تولیدی در بدن و یارانه پرداختی به نان در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۰

## بحث

مطالعه حاضر به بررسی میزان سرانه مصرف نان و میزان یارانه پرداختی به نان پرداخته است و نشان داد که با افزایش یارانه پرداختی، میزان مصرف کاهش یافته است.

هر سال به منظور تأمین امنیت غذایی آحاد مردم ایران مبالغ زیادی برای تأمین یارانه مصرفی نان در بودجه دولت لحاظ می‌شود. به طوری که بیش از ۷۸ درصد یارانه کالاهای مصرفی در سال ۱۳۸۶ به نان اختصاص یافته بود. یارانه نان که نوعی پرداخت

انتقالی از طرف دولت به مصرف‌کنندگان است. در تعدیل شکاف درآمدی گروه‌های کم درآمد و پر درآمد نقش مؤثری ایفا نموده است. مطالعات انجام‌شده مؤید آن است که در سال ۱۳۸۶ کاهش درآمدی نان در جامعه شهری ۰/۱۱۹ و در جامعه روستایی ۰/۱۸۴ است و در صورت حذف یارانه نان، شکاف درآمدی گروه‌های فقیر و غنی به شدت افزایش می‌یابد. البته بیان این نکته به منزله آن نیست که توزیع یارانه مصرفی نان در اقتصاد ایران به بهترین روش صورت می‌پذیرد (۱۷). در همین راستا

مطالعه حاضر نشان می‌دهد بیشترین میزان مصرف نان و سرانه مصرف نان مربوط به سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ است و همچنین بیشترین سرانه مصرف روزانه نان مربوط به سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۷ است. بنابراین نان یک کالای بسیار ضروری در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی محسوب می‌شود.

همسو با مطالعه حاضر، بهرامی و همکاران در مطالعه خود نشان دادند شاید یکی از دلایل اصلی روند نزولی مصرف نان در طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۱ را بتوان به افزایش چند مرحله‌ای قیمت نان در طی سال‌های مذکور در ایران نسبت داد. به عنوان مثال قیمت هر قرص نان سنگک در طی سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۵۰، ۲۰۰، ۵۰۰ و ۸۰۰ تومان بود (۱۸). همچنین قیمت هر قرص نان بربری از ۷۵ تومان در سال ۱۳۸۴ به ۵۰۰ تومان در سال ۱۳۹۲ رسید، به طوری که طبق آمارها، نرخ تورم در سال‌های مذکور برای این نوع از نان ۶۶۷ درصد گزارش گردید (۱۹).

علی‌رغم افزایش یارانه پرداختی به نان و کاهش مصرف سرانه نان مطالعاتی تغییر سبک زندگی مردم در طی سال‌های مذکور را نشان داده است. به طور مثال با توجه به جمعیت جوان کشور، آمار دانشجویان و خانواده‌های شاغل، سرعت رشد بازار غذاهای فوری (فست فود) طی دو دهه اخیر به سرعت رو به توسعه بوده و در ایران نیز با رشد روزافزونی مواجه شده است. به طوری که بر اساس بررسی‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴ ارزش بازار داخلی آن حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. در این زمینه گفتنی است طبق گزارشات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، هر دانش‌آموز ایرانی دو برابر حد مجاز فست فود و غذاهای آماده مصرف می‌کند. به طور متوسط هر دانش‌آموز ایرانی هفته‌ای یک‌بار فست فود می‌خورد در حالی که حد مجاز آن حداکثر هر دو هفته یک‌بار است (۲۰).

همچنین شاید بتوان دلیل این مسئله را به این موضوع نسبت داد که نان جزو کالاهای ضروری خانوار است. مطالعات قبلی نشان دادند که مقدار نان مصرفی در مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۸۶ به ترتیب ۱۹ و ۱۴ درصد کاهش یافته است. بنابراین کاهش کمتر مصرف نان در مناطق روستایی وجود داشته است. بخشی از نان مصرفی خانوارها در مناطق روستایی توسط خانوار تولید شده و هزینه آرد و پخت نان در بخش هزینه‌های خوراکی خانوار ثبت می‌شود، در نتیجه وزن این بخش از نان مصرفی در سرانه مصرف نان لحاظ نمی‌شود و فقط هزینه آن درج می‌شود (۹). یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که میزان یارانه پرداختی به نان در طی سال‌های مذکور، روند افزایشی داشته است، در حالی که میزان مصرف نان در طی سال‌های مذکور (۱۳۹۰-۱۳۸۱) روند کاهشی به خود گرفته است.

توزیع غیر هدفمند یارانه مواد غذایی موجب می‌شود تا همه اقشار جامعه مانند فقرا از برنامه حمایت غذایی منتفع شوند، اما با هدف‌گیری نامناسب در این شرایط بهره‌مندی گروه‌های بالای درآمدی نسبت به فقرا بیشتر است، زیرا در این سیستم به هر میزان که مصرف افراد افزایش یابد از یارانه بیشتری نیز برخوردار خواهند بود. به طور متوسط، ۶۰ تا ۸۰ درصد مخارج عمومی برنامه حمایت غذایی در کشورهای منطقه «منا» برای گروه‌های بالای درآمدی است؛ برای مثال، در مراکش افرادی که در پنجک بالا قرار دارند نسبت به پایین‌ترین پنجک، دو برابر بیشتر از مواد غذایی یارانه‌ای استفاده می‌کنند. در یمن، دهک بالا ده برابر پایین‌ترین دهک از آرد و گندم یارانه‌ای استفاده می‌کنند (۲۱). مصباحی مقدم و همکاران در سال ۱۳۸۹ در مطالعه خود بیان کردند توزیع یارانه در ایران به شدت ناعادلانه است (۲۲). برای اصلاح ساختارهای تولیدی کشور، مدیریت بینه مصرف انرژی و توزیع عادلانه یارانه‌ها، هدفمندسازی یارانه‌ها با استفاده از بهترین شیوه، ضروری به نظر



می‌رسد (۲۲). می‌توان گفت طرح هدفمندی یارانه‌ها بیشتر به مواد غذایی، شهرشینی و رفاه اجتماعی پرداخته است و در مورد کیفیت زندگی روستاییان که اغلب هدف برنامه‌های توسعه است کمتر مطالعه شده است. در مطالعه حاضر بیشترین میزان یارانه پرداختی به نان مربوط به سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ می‌باشد. شاید بتوان علت این موضوع را به آغاز هدفمندی یارانه در ایران نسبت داد که بخش قابل توجهی از این یارانه به گندم و نان تعلق گرفت که روند نزولی مصرف سرانه نان و کاهش انرژی روزانه را در پی داشت. که این خود نیازمند اصلاح هدفمند کردن یارانه‌ها و الگوی مصرف نان است.

برنامه یارانه مواد غذایی در یمن شامل یارانه گندم و آرد بود. مطالعات نشان می‌دهد برنامه یارانه گندم در یمن بسیار هزینه‌بر بوده و در ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ به ترتیب، ۳/۷ و ۵/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۹/۱ و ۱۷/۵ درصد از بودجه دولت را به خود اختصاص داد. بنابراین، به‌رغم هدف دولت در زمینه ایجاد امنیت درآمدی فقرا، طرح یارانه گندم و آرد در هدف‌گیری فقرا با شکست مواجه شد. بر اساس برآوردهای بانک جهانی در سال ۱۹۹۶ تنها یک سوم یارانه گندم به مصرف‌کنندگان واقعی رسید؛ از دلایل افزایش هزینه بالای برنامه یارانه گندم می‌توان به رشد سریع مصرف گندم به دلیل افزایش جمعیت، خروج گندم از کشور به خاطر قاچاق اشاره نمود که اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها از جمله اقدامات صورت گرفته دولت در رفع نارسایی نظام یارانه گندم است. در نتیجه، هزینه‌های یارانه مواد غذایی از ۵/۲ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۳/۶ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۹ رسید (۲۱). البته این کاهش تا حدودی نیز تحت تأثیر کاهش قیمت‌های جهانی بود (۲۱).

گاریا و همکاران در مطالعه خود نتایج طرح یارانه محصولات غذایی و تغذیه را در فیلیپین بررسی کردند، کاهش قیمت برنج و روغن خوراکی در نواحی

شیوع سوءتغذیه و دیگری آموزش تغذیه بود (۲۳). پایین بودن قیمت در این طرح مستلزم افزایش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های مواد غذایی خانوار می‌شود و همچنین به کمبود کالری افراد و در نتیجه به بهبود وضع تغذیه‌ای افراد کمک می‌کند (۲۳).

بر خلاف مطالعه فوق در مطالعه حاضر علی‌رغم هزینه‌های سنگین پرداخت یارانه‌ها با افزایش میزان یارانه پرداختی به نان، میزان مصرف نان (۰/۱۹/ $p$  و ۰/۷۲/ $r$ ) و میزان انرژی تولیدی در بدن (۰/۰۳/ $p$  و ۰/۸۲/ $r$ ) کاهش داشته است. به طوری که به ازای افزایش هر یک میلیارد ریال یارانه پرداختی به نان، ۶۳/۷۱۲ تن از میزان مصرف نان و ۰/۱۴ کیلوکالری از انرژی مصرفی در روز کاسته می‌شود.

عملکرد یارانه‌های مصرفی در کشور مصر نشان داد با افزایش فوق‌العاده هزینه‌های مالی یارانه‌ها، نبود تعادل کلان اقتصادی و تشدید بدهی‌های خارجی و اثربخشی سیاست‌های فراگیر یارانه‌ای در سال ۱۹۹۷ کشور مصر با حمایت صندوق بین‌المللی پول به اصلاح نظام یارانه‌ها اقدام کرد (۲۴). این اقدام با افزایش ناگهانی قیمت کالاهای یارانه‌ای شروع شد، اما این طرح به دلیل تبعات اجتماعی، متوقف شد. لذا این کشور به ناچار به اصلاح تدریجی نظام یارانه طی دهه ۱۹۸۰ به ترتیب اقداماتی مانند: اختصاص تعداد کارت‌های سهمیه‌ای برای برخی خانوارهای کاملاً مستحق، کاهش تعداد کالاهای یارانه‌ای از ۱۸ قلم کالا به ۴ نوع کالا، قیمت کالاها را افزایش داد. در راستای اعمال این سیاست‌ها در سال ۱۹۹۲ سهم جمعیت تحت پوشش به ۸۶ درصد کاهش یافت و این روند نزولی تداوم یافت به طوری که در سال ۱۹۹۵، ۶۰ درصد از هزینه‌های کل برنامه به یارانه آرد گندم و برنج و ۴۰ درصد مابقی به یارانه شکر و روغن اختصاص یافت و آرد گندم و برنج در قیمت‌های ثابت و به صورت همگانی و شکر و روغن به صورت سهمیه‌های ماهانه توزیع گردید (۲۴).

کالاهای سهمیه‌بندی‌شده از طریق کتابچه‌های سهمیه‌بندی عرضه می‌شوند و در سطح سهمیه‌های ثابت ماهانه با هزینه‌های پایین‌تر در فروشگاه‌های خاص به فروش می‌رسند (۲۴).

افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر انتظارات تورمی اقشار مختلف جامعه تأثیرگذار است و منجر به افزایش سطح تورم می‌گردد. بدین مفهوم که قیمت بیشتر کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارها در یک مقطع زمانی، در حال افزایش است و این امر خود به معنی کاهش ارزش پول داخلی و افزایش عرضه پول است. این تغییرات بر هزینه خانوارها و سطح تقاضای خانوارها برای کالاهای مصرفی تأثیر می‌گذارد و از آنجایی که سطح درآمدی خانوارها متناسب با سطح تورم تعدیل نشده است این امر منجر به کاهش سطح رفاه خانوارها بخصوص خانوارهای با سطح درآمد پایین و متوسط می‌گردد (۲۵،۲۶).

از محدودیت‌های مطالعه حاضر عدم توجه به ارزش واقعی پول ملی اختصاص یافته به یارانه گندم و نان و سهم آن در هزینه کلی خانوار در طی سال‌های مورد مطالعه است که می‌تواند تفسیر حاصل از نمودار میزان یارانه اختصاص یافته به آرد و گندم و تغییرات رفتار مصرف‌کننده را دچار چالش کند و لازم است در مطالعات بعدی به آن پرداخته شود.

### نتیجه گیری

یکی از دلایل روند نزولی مصرف نان در ایران را در طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۱ می‌توان به افزایش چندمرحله‌ای قیمت نان در طی سال‌های مذکور

نسبت داد. دلیل دیگری که علی‌رغم افزایش یارانه پرداختی به نان، می‌توان به کاهش مصرف نان نسبت داد، این است که به منظور تثبیت قیمت نان، همه ساله مبالغ بسیاری در قالب یارانه به این محصول پرداخت شده است اما توجه ناکافی به ایجاد شرایط رقابت‌پذیری و ایجاد حق انتخاب برای مشتریان و نانوایان، برخی مشکلات مرتبط با سهمیه‌بندی آرد و ضعف در آموزش نظری و عملی پخت نان به نانوایان، از عمده‌ترین مشکلات موجود در ساختار یارانه‌های تولید نان کشور هستند.

### پیشنهادات

- با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و تعیین قیمت ملی گندم، قیمت نان معادل قیمت آرد به‌علاوه هزینه تبدیل آرد و نان شود.
- هدفمندی یارانه‌ها اصلاح شود.
- سرانه مصرف خانوارهایی که خود نان مصرفی به‌صورت خانگی تهیه و مصرف می‌کنند برآورد شود.
- اعتبار برای تجهیز نانوایی‌ها و ارتقای کیفیت نان تولیدی اختصاص یابد.
- در آموزش مداوم پخت نان به نانوایان تلاش بیشتری صورت پذیرد.

### تشکر و قدردانی

این مطالعه بخشی از طرح پژوهشی مصوب دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با کد ۱۳۲۹۳ است. بدینوسیله از افرادی که با راهنمایی‌های خود محققین را در انجام این طرح یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

### References

- 1-Ebadi F. Food balance sheet of the Islamic Republic of Iran (2006-2007). Tehran, Iran: Institute for agricultural planning and economic research institute, 2009. [In Persian]
- 2-Abdollahi F. Agricultural Promotion and Development in Iran, Journal of Social Sciences. 2003; 1(21): 31-65. [In Persian]
- 3-Hamidnejad M. Wheat subsidies and investigating the relationship between social justice, Agricultural Economic and Development. 1994;8(2): 59-136. [In Persian]

- 4-Rezaei M, Darbandi M, Sharafi K. The effect of eliminating subsidies on food consumption of households in Kermanshah–Iran. *International Journal of Pharmacy and Technology*. 2016;8(1):11141-50.
- 5-Jeong K-S, Garcia P, Bullock DS. A statistical method of multi-market welfare analysis applied to Japanese beef policy liberalization. *Journal of policy modeling*. 2003;25(3):237-56.
- 6-Dini, Torkamani, Pahlevani, The effect of bread subsidy removal on wheat supply. *Journal of Business Research*. 1996;1(1): 62-147. [In Persian]
- 7-Alexandratos N. *World Agriculture: towards 2030/50, interim report. An FAO perspective*: London, UK: Earthscan; Rome, Italy. 2006.
- 8-Hayat Gheibi F, Shahnooshi N, Mohammadzadeh R, Azarinfar Y. Study of wheat supply reaction model in Iran. *Journal of agricultural economics research*. 2009;1(2):91-105.
- 9-Internal reports. Consumer and Producer Protection Organization. 2005. [In Persian]
- 10-Planning Research and Agricultural Economic Institute. *Wheat Economic from Production to Consumption, Research proceedings*. 1999. [In Persian]
- 11-Economic Report and Balance Sheet of 2004. Central Bank of the Islamic Republic of Iran. 2004. [In Persian]
- 12-Cereal Research Institute. *Investigating the causes of bread wastes in the country and ways to prevent it. Proceedings of the Bread*. 1999. [In Persian]
- 13-Nutrition and Food Research Institute of Iran. *Analytical report on the wheat status, flour and bread status in Iran, 2003*. [In Persian]
- 14-Razmara S. *Consumer Food Subsidy Programs in the MENA Region. World Bank Report 1-MENA*. 1999:19561.
- 15-. Karimi S, Rasekhi S, Ehsani M. Estimating Subsidized Food Demand Function in Second and Third Plans of Economic Development: Case Study: Urban Areas of Iran. *Nameh-Ye-Mofid*. 2009; 18(75): 07-128. [In Persian]
- 16-Ahmed AU, Bouis HE. Weighing what's practical: Proxy means tests for targeting food subsidies in Egypt. *Food Policy*. 2002;27(5-6):519-540.
- 17-Khodadad Kashi F, Heydari K. Evaluating the role of food subsidy items in the consumption basket of urban and rural households. *Iranian journal of trade studies*. 2004; 32: 41-54. [In Persian]
- 18-Bahrami M. How much has the price of basic commodities increased from 2005 to 2013? *Eghtesade Iran*; 2017. Available from: <http://www.ireconomy.ir>. [In Persian]
- 19-Online Economy. The commodity prices during Mahmud Ahmadinejad's presidency to Rohani presidency: *Eghtesadonline*. 2017; Available from: <http://www.eghtesadonline.com>. [In Persian]
- 20-Raisi AS. Iranian students consumes fast-foods twice the permitted limit: *Irna*. 2017. Available from: <http://www.irna.ir/en/News/82676149>. [In Persian]
- 21-Najafi B. lessons from world experiences to reform food subsidies in Iran. Scientific Report Code, 8721-01 For the Expediency Council Library, Commission on Infrastructure and Production. Committee on Agriculture, Water and Natural Resources. 2008. [In Persian]
- 22-Mesbahi Moghaddam G, Esmaili G, Rayae'i M. Investigating and the pathology of the payments of subsidies targeting. *Journal of Islamic Economics Research*. 2009;35(9): 61-199. [In Persian]
- 23-Garcia M, Pinstруп-Andersen P. *The Pilot Food Price Subsidy. Scheme in the Philippines: Its Impact on Income, Food Consumption, and Nutritional Status. Research Report 61, International Food Policy Research Institute*. 1987. [In Persian]
- 24-Davoodi A. A review of countries' experience in subsidies targeting with emphasis on reforming food subsidies in the Middle East and North Africa. *Economic Journal of Review of Economic Issues and Policies for Subsidy Targeting*. 2009; 1: 29-101.
- 25-Babaei M, Hashemi Damaneh F. Criminological Consequences of Subsidies Targeting. *Journal of Criminal Law*. 2013; 1(4): 27-50. [In Persian]
- 26-Karami A, Ismaeili, Najafi B. Investigating the Distribution of Food Subsidy in Iran. *Agricultural Economics*. 2008: 61-183. [In Persian]